

آندری ملخوف (Andrey Melekhov)

## یهودیان آمریکا اواما را به جنگ تشویق میکنند

<http://www.fondsk.ru/news/2013/08/31/amerikanskie-evrei-podtalkivajut-obamu-k-vojne-22483.html>

ترجمه و متمم از: ا.م. شیری

۱۹ سنبله ۱۳۹۲

زندگی چقدر دهشتناک است! بخصوص اگر یهودی ثروتمند آمریکائی باشی. از یک سو، خواهان اندوختن هر چه بیشتر ثروت هستی. برای نیل به آن متناوبا به جنگهای کوچک و ظفرمند آمریکا نیاز داری. جنگها همچنین برای آن لازم هستند تا هیچ کس فراموش نکند که صاحب دنیا کیست. علاوه بر این، سرمایه یهودی تاب تحمل تولید اضافه، از جمله، تولید بیش از حد تسلیحات را ندارد. اما جنگها برای رهائی از شرّ تولیدات اضافی، در عین حال، برای نمایش قدرت، قبل از همه، در آنجاها که معادن سرشار نفت، گاز و دیگر مواد معدنی مفید وجود دارد، لازم هستند. خالی کردن ذخیره بمبها و «تاماهوک»های گرانبیقیمت بر سر بومیان، بخصوص، به سر آنهائی که منافع ملی آمریکا را درک نمیکنند، محض خاطر سرمایه یهودی اشکالی ندارد.

از سوی دیگر، صدای خون، ندای دفاع از اسرائیل دائما در ضمیر یهودیان میخروشد... برای اینکه بنحوی از انحاء معلوم شده، که ساکنان بومی نشسته بر روی معادن عظیم نفت و گاز، دولتهایشان را دوست ندارند. و همینکه یهودیان آمریکائی، صاحبان صنایع جنگی و امور مالی آمریکا آتش جنگ بعدی را در خاورمیانه برمیافروزند، فوراً این فکر ساده به ذهن عرب خطور میکند: در حالی که سرزمین موعود تا این حد برای یهودیان آمریکائی عزیز است، آیا اسرائیل ما را بحال خود رها خواهد کرد؟

وضعیت متناقضی پیش میآید: اسرائیل که در همه امور فقط به آمریکا تکیه میکند، هر بار قربانی هوسبازیها و طمع هم قبیله ایهای آمریکائی خود میگردد که دولت آمریکا را بمثابه مدیر ابزار مالی جهانی خود می بینند. رویدادهای سوریه این مدعا را ثابت میکنند.

در کشور عربی همسایه بیش از دو سال است جنگ ادامه دارد، اما تاکنون این جنگ هیچ تهدیدی بر علیه امنیت اسرائیل ایجاد نکرده است. با وجود این، همینکه واشنگتن تصمیم خود را مبنی بر مداخله نظامی بطرفداری از اسلامگرایان - دشمنان اسرائیل (عجب فکر بکری!) در آن اعلام کرد، بلافاصله شهروندان این کشور که با مزه تلخ ماجراجوئی آمریکائی آشنا هستند، به تهیه ماسکهای ضدگاز پرداختند، برای خودشان پناهگاه آماده کردند، درز پنجره ها را بستند و عملکرد آژیرهای هشداردهنده را با احتمال حمله شیمیائی امتحان کردند.

کمیته روابط اجتماعی آمریکا- اسرائیل، که سازمانهای یهودی آمریکا را در خود گرد آورده است، اعلام کرد: «کشور یهودی، یگانه متحد ما و تنها کشور جهان است که در میان شهروندان آن ماسکهای ضدگاز توزیع میشود». و همه اینها برای حمایت از اسرائیل انجام میگردد. می بینید، که کمیته روابط اجتماعی آمریکا- اسرائیل چقدر نگران است. اما اگر یهودیان آمریکائی با «تامهاوکهای» خود تحت بهانه سر و سامان دادن به مناقشه ای که خودشان دامن زده اند، در کار دیگران دخالت نکنند، یهودیان اسرائیل مجبور نخواهند شد عطر ادویه شرقی را از طریق صافی ماسک ضدگاز استنشاق کنند.

متناقض ترین وضعیت این است، که اسرائیلیها میتوانند قربانی کاربرد سلاح شیمیائی بشوند، منتها نه از سوی ارتش سوریه (این احتمال وجود ندارد، که رهبری سوریه میخواهد به اتهام جنایت علیه بشریت در مقابل دادگاه بین المللی قرار گیرد)، بلکه، از سوی اسلامگرایان متحد آمریکا.

تصور اوضاع مساعدتر از این برای اسلامگرایان تندرو که با دعوت آمریکا برای «برقراری دمکراسی» در سوریه جمع شده اند، حتی دشوار است. آنها با شلیک دو موشک حاوی زارین به اسرائیل، از یک سو، شرایطی فراهم می آورند تا غرب ضرورت سرنگونی حاکمیت قانونی سوریه از راه مداخله نظامی را مدلل سازد و از سوی دیگر، با نمایش اجساد نیمه جان و متشنج یهودیان منفور آنها در لحظات آخر زندگی از صفحات تلویزیونی، همدردی جهانی را برانگیزند. آیا در اسرائیل این واقعیت را درک میکنند؟ چگونه! همانطور که دو کارشناس نامدار انستیتوی تحقیقات امنیت ملی اسرائیل، **آموس یادلین** و **آونر گولوف** مینویسند، خطر عمده عبارت از این است، که تجاوز آمریکا به سوریه میتواند «عواقب غیرمنتظره ای داشت باشد، که احتمال می رود به گسترش عرصه جنگ و طولانی شدن مدت عملیات جنگی منجر شود. بعنوان مثال، حمله نظامی برعلیه رژیم اسد ممکن است باعث تقویت نیروهای جهادی بشود».

جالب است! نظامیان آمریکائی از دو سال پیش تا کنون در این باره هشدار میدهند و واشنگتن هم چین و روسیه را مزاحم اصلی سیاستهای آمریکا در خاورمیانه میداند. اما همه بیهوده است. چنین تصویری ایجاد میشود، که اداره کنندگان «تنها ابرقدرت جهانی» خشمگین شده اند و هیچ کسی نمیتواند حداقل با سلاحهای متعارف جلو آنها را بگیرد. تنها سلاح هسته ای میتواند مانع در غلطیدن نهائی بازهای آمریکائی در عمق دیوانگی بشود. به همین سبب هم برنامه هسته ای ایران واشنگتن ناراحت میکند. به همین سبب هم کمیته روابط اجتماعی آمریکا- اسرائیل اواما را به جنگ تشویق میکند.

کمیته روابط اجتماعی آمریکا- اسرائیل به کاخ سفید پیام میدهد: «استفاده رژیم اسد از سلاح شیمیایی، خطر وجود تسلیحات کشتار جمعی در دست خطرناکترین دولت‌ها را تأیید میکند. به همین دلیل هم اسرائیل شهروندان خود را در مقابل حمله شیمیایی سوریه آماده میکند. اگر ایران فعالانه از اسد پشتیبانی می‌کند، آمریکا موظف است عواقب فاجعه بالقوه دستیابی این کشور به سلاح اتمی را در نظر بگیرد».

بدین ترتیب، وقتیکه صحبت سوریه در میان است، آیا ممکن است هدف اصلی «یهودی ثروتمند آمریکا» هم در همین نکته نهفته باشد؟ آیا ثروتهای طبیعی ایران، قرار و آرام آمریکائی‌های تحریک شده بر علیه این کشور را نروده است؟

سپس گذرگاهی پیدا میشود، که در آن «فریاد دعوت کمیته روابط اجتماعی آمریکا- اسرائیل» از باراک اوباما برای وارد آوردن ضربه به سوریه قبل از دست یابی ایران به سلاح اتمی شنیده میشود. چنان ضربه ای که، درس بزرگی برای پارسها باشد. آنها میگویند، تلاشها برای محافظت از خود در مقابل هجوم آمریکا به همان نتیجه، به اشغال منجر میشود. انگار اگر ایران به سلاح اتمی مسلح نشود، آمریکا سر عقل خواهد آمد و در جای خود ساکت و آرام خواهد نشست. اما سرنوشت عراق خلاف آن را ثابت میکند.

جهان در هرج و مرج غرق میشود و علت آن نیز وجود هرج و مرج ناشی از تلاشها برای سلطه بر جهان در سر خالی شده از عقل نخبگان اداره کننده آمریکا میباشد. یک روز برای غلبه بر اتحاد شوروی اسلامگرایان را در افغانستان پرورش میدهد، روز دیگر، عامدانه به سوگ برجهای دو قلوی منفجر شده بدست جهادگرایان در نیویورک مینشیند. زمانی در مصر «اخوان المسلمین» را به حاکمیت میرساند، زمانی دیگر آنها را با کودتای نظامی از حاکمیت ساقط میکند. اکنون که واشنگتن اسلامگرایان را بر علیه سوریه بسیج کرده است، خود نمیداند اگر «متحدانش» در آنجا به زارین جنگی دست بیابند، که اسرائیلی‌ها، اروپائیه‌ها و خود آمریکائیه‌ها را هم مسموم خواهد کرد، چه کار باید بکند.

آیا واشنگتن می‌داند، که سیاستهای امپریالیستی ایالات متحده سایر ملت‌ها را برای حفاظت از خود در مقابل هجوم آمریکا با هر وسیله ممکن، به ساخت و کاربرد تسلیحات امحاء جمعی وامیدارد؟ آیا می‌داند، که فقط سیاستهای آمریکا باعث شکست «تنظیم مجدد» مناسبات با روسیه گردید؟ آیا می‌تواند درک نماید، که رشد تضادها بین چین و آمریکا حاصل و پیامد تغییر رقابت اقتصادی معمولی بین دو کشور به سطح رقابت نظامی- سیاسی می‌باشد؟

آمریکا سایر کشورها را به توسعه تسلیحات و اتحاد عمل برای حفظ فاصله از جنون آمریکا وادار میکند. اما آنها در این کار چقدر موفق بوده اند؟ آیا چنین بنظر نمیرسد، که دیر یا زود واشنگتن از خطی عبور میکند، که پس از آن امکانات دیپلوماسی خاتمه یافته تلقی میشود؟

حالا که این اتفاق نیفتاده است، به آمریکائی ها باید گفت: شما جلو «برنده جایزه صلح نوبل»تان را بگیرید! آیا در کشور شما مشکلاتی مهمتر از «دمکراسی» در خاورمیانه وجود ندارد، که رئیس جمهور منتخب شما باید به فکر حل آنها باشد؟ بخصوص اینکه او میخواهد آتش این جنگ را بکمرگ گروههای «القاعده»، «اخوان المسلمین» و سایر جنگجویان جهادی پرورش یافته با پول مالیات دهندگان آمریکائی برافروزد. لازم است از آمریکائیها پرسیده شود: اگر شما برای غصب ثروتهای طبیعی مردم ایران کوشش نمیکنید، ایران هسته ای یا غیرهسته ای چه ربطی به شما دارد؟ در حالی که غیر از همان اسلامگرایان سوریه، که رئیس جمهور شما، باراک اوباما با پول بودجه آمریکا آنها را پرورش میدهد، هیچ کس امنیت اسرائیل را تهدید نمیکند، شما چه کار به امنیت اسرائیل دارید؟

**بیدار شو، آمریکا! هنوز دیر نیست!**

### متمم مترجم

در طول دو- سه دهه اخیر، بموازات تغییرات بسیار گسترده در جغرافیای سیاسی جهان، ناتوی رسانه ای موفق شده است تغییرات بسیار جدی در ادبیات سیاسی، در مفاهیم و تعاریف مقولات و پدیده ها بوجود آورد. ناتوی رسانه ای همچنین، در بفراموشی سپردن آمران و مجریان جنایات علیه بشریت، در رأس آنها، جریانهای مخوف فراماسونری و صهیونیستی بسیار موفق عمل کرده است.

این واقعیت، که چگونه دولت آمریکا، دولت حاکم این سرزمین غصبی به ژاندارم بین المللی تبدیل شد، بی تردید، با سازمانهای فراماسونری و دولت مخفی صهیونیستی رابطه مستقیم داشته است. یعنی فلسفه وجودی کشور نامشروع آمریکا درست به مهاجرت همین جریانها و اسکان آنها در سرزمینهای آباء و اجدادی سرخپوستان بستگی دارد و همه جنایاتی را که دولتهای مختلف آن در طول تاریخ مرتکب شده اند، طبیعتا، بدستور و خواست آنها صورت گرفته است.

عملکرد فوق فاشیستی همه دولتهای آمریکا از بدو پیدایش (چه دمکرات و چه جمهوریخواه)، جای شکی باقی نمیگذارد، که هیچکدام از آنها چیزی جز دست افزار و خدمتکار گوش بفرمان «تشکیلات فراماسونری و دولت مخفی صهیونیستی» نبوده و نیستند. این واقعیت را دیروز

جنگها و کودتاهای نظامی متعدد در اغلب کشورها و برعلیه همه خلقهای جهان، از نابودی نسل سرخپوستان انازونی گرفته تا تخریب سوسیالیسم و تجزیه اتحاد شوروی، جنگهای استعماری علیه یوگسلاوی، افغانستان، سومالی، عراق، لیبی و کشورهای بسیار دیگر در طول کمی بیش از دو دهه اخیر، و امروز، جنگ تروریستی- استعماری علیه سوریه، تهدیدات دائمی علیه ایران تحت بهانه واهی «نگرانی از برنامه هسته ایران»، درست در زمانیکه «**دارنده جایزه صلح نوبل**»، این خدمتکار محبوب باندهای مافیائی حاکم بر آمریکا، سوریه را با حمله نظامی ویرانگرانه و ایران را به بمباران اتمی تهدید میکند<sup>(\*)</sup>، بطور واضح و آشکار ثابت میکنند.

تشکیل حاکمیت‌های وابسته و گوش بفرمان در مستعمرات یکی از مهمترین ابزارها برای اعمال سلطه و هژمونی استعمارگران در مستعمرات جدید بوده و هست که با دست بردن به روشهای مختلف مانند کودتا نظامی (ایران، اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر جهان، بویژه، کشورهای آمریکا جنوبی و لاتین)، ایجاد پایگاههای نظامی و جنگهای استعماری (ژاپن، کره جنوبی، کامبوج، یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی، ساحل عاج، مالی و بسیاری دیگر) و یا با جوسازی، تبلیغات، صرف هزینه های گزاف و بالاخره، ایجاد نیروی فشار و تخریب از درون (اتحاد شوروی و همه کشورهای اروپای شرقی و همچنین، کشورهایی مانند ترکیه، کلمبیا، فیلیپین، تایلند، و سایر کشورها) بمرحله اجرا گذاشت.

در حالی که استعمار کهن تا سالهای ۱۹۶۰- ۱۹۷۰ قرن گذشته میلادی با سمبل و نشانه آسیاب بادی (مولن روژ) ب موجودیت خود ادامه میداد، امروز همان دول استعمارگر، بخصوص، استعمارگران آنگلو ساکسونی، برای اعمال سلطه خود در مستعمرات جدید، آن را با شعارهای اغواگرانه «دمکراسی»، «حقوق بشر» و «جنگهای بشردوستانه» عوض کرده اند. همه آنچه را که امروز در سوریه، مصر و غیره اتفاق می افتد و در ایران نیز در حال شکلگیری و زایش است، در همان چهارچوب جنایات «دولت مخفی جهانی» قابل بررسی و ارزیابی می باشد.

**(\*)** - بگزارش بنگاه خبرپراکنی بی بی سی (۱۴ نوامبر ۲۰۰۹)، باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا در جریان سفر هشت روزه آسیائی خود، که برای شرکت در اجلاس سران ۲۱ کشور عضو «آپک» (سازمان همکاری اقتصادی کشورهای آسیا و حوزه اقیانوس آرام)، به سنگاپور سفر کرده است، در این «کشور» گفت: «آمریکا آماده است برای تأمین امنیت این منطقه آسیا، از قدرت بازدارندگی اتمی خود استفاده کند!» وی، همچنین این موضوع را مورد تأکید قرار داد، که «آمریکا از تسلیحات اتمی ایران و کره شمالی نمی ترسد!»...